

نگاهی به سال 2014

مزامیر 28،73: به خدا نزدیک بودن، خوشبختی من هست

در هفته بعدی ما شاید کیلومترها راه می‌ریم و سختی می‌کشیم و عرق می‌کنیم و پول خرج می‌کنیم و حتی گاهی سرخورده می‌شویم و گریه می‌کنیم برای اینکه هدیه‌ای متناسب را زیر درخت کریسمس بتوانیم قرار دهیم. همه این کارها را ما برای اینکه با محبت تر و خوشبخت‌تر باشیم انجام می‌دهیم. حال این خوشبختی اصلاً مگر چه کاری میکند؟ در وب سایت

<http://de.statista.com>

آلمانی‌ها 89% از سلامتی به عنوان خوشبختی یاد کردند و در رده دوم این نظرسنجی موفقیت در زندگی زناشویی قرار دارد و در رده سوم خانواده قرار می‌گیرد... تقریباً در وسط این جدول یک مسأله هدف دار مطرح می‌شود و در آخرین رده این جدول با 25%، آن‌ها به اعتقاد و ایمان رأی داده‌اند. اگر این آمار درست باشد، باید این ادما عمیقاً بدبخت باشند. چرا که ما در آینده به هر حال سالم نخواهیم ماند، زندگی زناشویی هم اغلب تا یک دوره ای این حس خوشبختی را منتقل می‌کند و همیشگی نیست، و اگر مسأله کار را هم در نظر بگیریم، اکثریت مردم از شغلی که دارند ناراضی هستند. این مسائل دنیایی که ما بنای زندگی قرار دادیم به نوعی من می‌توانم بگویم ما را دچار یک افسردگی مادی کرده است.

آیه سال برای سال 2014 به ما نشان می‌دهد که ما باید چه چیز را برای خوشبختی در ذهنمان در نظر بگیریم. در آن آیه، ایمان در راس جدول قرار می‌گیرد. اینکه به خدا نزدیک باشید باید از همه آرامش‌ها و مسائل دیگر بالاتر باشد و به عنوان برنامه سالانه ما باشد. آرامش و خوشبختی هم موضوع داستان کریسمس هستند. تولد عیسی سبب شد که موجهای عدل حقیقی و آرامش از آسمان به زمین روان شود و دوباره این امواج به آسمان بازگردد. و داستان عیسی همینطور ادامه پیدا می‌کند. او آرامش را می‌آورد! و این باعث تعجب نمی‌شود که انجیل زندگی او را بشارت آرامش نامیده

است! این به این دلیل است که خدا در عیسی به ما نزدیک شده است! وقتی آدم انجیل را باز می‌کند و در آنجا در آینه خوشبختی انسان‌ها نگاه می‌کند، منظور انجیل از نزدیکی به خدا این نیست که برنده لوتو بشوید و یا یک انسان سوپر استار و یا جز 5 پول‌دار اول دنیا باشید، بلکه کاملاً در جهت عکس: همیشه شخصیت‌های اول در داستان‌های انجیل زجر کشیدن و سوزانده شدن و به زندان افتادن و گرسنگی کشیدن و گاهی حتی افسرده بودند و یا مورد تمسخر قرار گرفتند. عیسی به تنهایی تکلیف خودش را روی زمین به انجام رساند و نه به عنوان یک قهرمان که با لباس‌های شیک میاد بلکه به عنوان بزرگترین مرد که متحمل رنج شد و از غم او تمام آسمان به فریاد درآمد! این آرامش و خوشبختی به نظر نمیاد ولی در همین لحظه ورق برمی‌گردد و مثل ابزاری می‌شود از طرف خدا که در بدترین شرایط نور آرامش را می‌تاباند. یک نگاه به کلام پر از امیدوار کننده او ما را به این سؤال رهنمون می‌کند که، چه کسی پشت این کلام قرار دارد و در این زمان بد و شرایط بحرانی او به ما آرامش و خوشبختی را هدیه می‌دهد! در مزامیر 73 ما یک ردپای حقیقی از این را می‌بینیم.. در مزامیر بالاخره از رنج کشیدن حقیقت. چه چیزی در آنجا گفته شده است، هم شکایت است از خدا که تقدس خودش را در دید قرار دهد. و بعد این اعتقادنامه میاد: **نزدیک به خدا بودم، خوشبختی من است.** بله وقتی این آسمان و زمین به پایان برسند تنها چیزی که می‌ماند: **با خدا بودن است** دقیقاً به همین سادگی که در ایمان نامه مزامیر گفته شده است. بدون خدا برترین دستاوردی که ما انسان‌ها بدست خواهیم آورد، یک خانه بر روی شن و ماسه خواهد بود که فقط یک نمای بیرونی دارد. فقط وقتی خدا با ماست ما می‌توانیم طعم قدرت و تسلی خاطر و آرامش او را بچشیم. و تازه آن وقت است که می‌فهمیم که ما نمی‌توانیم خوشبختی و آرامش را از درون خود بدست آوریم و یا از بیرون بخریم، نه خوشبختی هدیه‌ای از طرف خداست. و چنین آرامشی که از طرف خداست بدون واسطه به هستی و حیات ما ادامه می‌یابد و این دیدی است که مخصوص زمان و مکان بخصوصی نیست و مقدسان خدا این دید را نسبت به خوشبختی اجازه دارند همیشه داشته باشند. و بخاطر همین هم آن‌ها از خوشبختی می‌توانستند بخوانند و صحبت کنند، حتی در شرایطی که همه جا تاریکی و غمگین بود. برای همین هم باید ما بروی زانو به دعا بنشینیم تا خدا چشمان ما را باز کند

! او خود را در نزدیکی او ببینیم

ما در بروکه در شهر لایپزیک هدف قرار دادیم تا مردم را دعوت کنیم تا این نزدیکی به خدا را بتوانیم حس کنیم و بتوانیم بچشیم و به این منظور هم دعا کنیم. اغلب مهمانان ما هم با توجه به دید انسانی نسبت به خوشبختی، هیچ دلیلی برای خوشبخت بودن ندارند، برخی مریض هستند، برخی دیگر بیکار، برخی دیگر از دوستان و خانواده ترد شده اند، ولی جالب این است که خدا ما را با همه این مسائل و راههای مختلف بر سر یک چهار راه رودر روی هم قرار داده است. و ما همدیگر را می‌شناسیم و گاهی هم ما باید فقط یاد بگیریم که بر سر راه خدا قرار نگیریم وقتی او می‌خواهد فرزندانش را صدا بزند و آن‌ها را برکت بدهد. انسانها خودشان را در زیر فشار مسئولیتها و نامیدی‌ها داغان می‌کنند همیشه، قبل از اینکه به خدا فرصت بدهند تا او چشمان آن‌ها را باز کند و به آن‌ها نشان دهد که اوست که مدتهاست برای ما انسان‌ها به نزدیکی ما آمده است. در سال 2014 هم خدا! اتفاقات شگفت‌انگیزی برای ما آماده کرد

برای سال 2014 ما یک قطعه از انجیل به نام، دوم قرمتینیان 3،3 انتخاب کردیم

همه می‌توانند ببینند که شما نامه مسیح هستید، نامه‌ای که نوشته‌ایم نه با جوهر و قلم، بلکه بوسیله روح خدای زنده، و نه بروی لوحه‌ای سنگی، بلکه بر دل انسان

برای این پیام ما می‌خواهیم به عنوان همکاران در بروکه و همچنین اعضای کلیسای خودمان را قوی کنیم. و این را خاطر نشان کنیم که ما با تمام کارهایی که انجام می‌دهیم، یک صدا از خداوند بروی زمین هستیم. و چشمه قدرت ما از مراسم عبادت میاد و نور خودش را بر زندگی روزمره ما می‌تاباند. عبادت خدا و تمامی روزها به هم تعلق دارند. و خداوند دوباره می‌خواهد که نیاز به مراسم عبادت در دنیا روشن شود! اینکه یک نفر بلیت قطار می‌خرد که به مراسم عبادت بیاید یک پیام است به تمام دنیا. (این را پاستور نویمن به عنوان موضوع بعد از ظهر عنوان کرده است) این موضوع مربوط به عبادت در کلیسای لوکاس در خیابان فولکمایزدورف

به ندرت به نتیجه رسیده است. برای همین هم ما رئیس‌مان را دعوت کردیم. این متن شماره 6 گزارش می‌دهد از این روز که او با ما بوده است و پیرامون این موضوع صحبت شده است. بعد از موضوع سال این مهمترین نتیجه بود که مکان عبادت کجا باشد. و این بعد از بحث‌های گروهی و پیشنهادهایی که دادند تصمیم گیری شد.

خداست که به ما محبت را هدیه می‌دهند
خداست که به ما ایمان را هدیه می‌دهند

خدا به ما این یقین را می‌دهد که ما از طریق تعمید، فرزندان او هستیم و در وعده او شریک هستیم

ما دعا می‌کنیم که راههای عملی را برای غلبه بر موانع زبانی و دیگر موانع بتوانیم پیدا کنیم

خدا به ما جرأت را میدهد و راههایی را نشان میدهد تا ما چیزهای تازه را امتحان کنیم و او به ما تکالیف عملی را می‌دهد تا ما را به هم متصل کند

خدا دوست دارد به ما جرأت و قدرت بدهد تا ما خیلی راحت درباره مشکلات و چالش‌های پیش رو با هم در انجمن کلیسا صحبت کنیم

خدا دوست دارد به ما چشمانی بدهد تا ما بتوانیم ببینیم که او چطور درها را برای ما گشوده است و به ما برکت داده است

دو مطلب ابتدایی که عنوان شد : خدا به ما محبت را هدیه می‌دهد ! و خدا به ما ایمان را هدیه می‌دهد ! همیشه و همیشه در سال 2015 در صحبت‌های ما خواهند آمد و ما را در چالش‌های مهم راهنمایی خواهند کرد.

کارهایی که در روزهای متمادی در سال 2014 در بروکه انجام شد به جز برنامه‌های هفتگی که آدم میتواند از وب سایت بروکه بخواند، همیشه

مراسم های بخصوصی هم هست، مثلاً: برنامه‌هایی برای تعطیلات بچه‌ها، مهمانانی از گروه جوانان هانوفر، مراسم عبادت برای دانش‌آموزان و روزهای دعا برای مسیحیانی که تحت تعقیب هستند. برای این برنامه‌ها هم شما می‌توانید از وب‌سایت ما مطلع بشوید

http://www.die_bruecke_leipzig.de/berichte.php

از برنامه‌هایی که الان داریم، ما یک گروه اسپز برای بزرگسالان تشکیل دادیم. در کنار کافه خوردن و کیک خوردن و پختن، بگو و بخند می‌شود و گاهی هم گریه می‌کنیم. این سرچشمه یک اجتماع کوچک است و ما داریم یواش یواش به یک خانه‌ی دوم برای مهاجران و بچه‌ها و خانواده‌ها تبدیل می‌شویم.

حال کار با همکاران در این بروکه خیلی زیاد شده است

تا حال این همه پناهنده در جهان نبوده است. خیلی از کشورها دیگر قادر به تأمین نیازهای پناهنده‌ها نیستند. و این هم زیاده‌خواهی هست که در این شرایط که کشورهای دیگر پناهنده نمی‌پذیرند، آلمان از پناهنده‌ها استقبال کند. در آلمان‌هایم‌هایی وجود دارد که آدم را به یاد دوران جنگ می‌اندازد. حال ما نیز با آدم‌های بیشتری که با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو هستند مواجه هستیم. و ما انسانهایی را داریم که به‌طور افتخاری به کمک این پناهنده‌ها می‌آیند و زیباتر از آن کسانی هستند که در گذشته پناهجو بودند و اکنون به کمک پناهندگان جدید می‌آیند. و در بین ما هم برخی از این مهاجران به دیگر مهاجران خیلی خوب کمک می‌کنند. حتی مورد داشتیم که یکی از اعضای کلیسا ما، از همین گروه مهاجرین به آلمانی‌ها برای آماده کردن فرم‌های اداره کار کمک کرده است. و بعد از این هم می‌باید این را یادآور شوم که ما هنوز هم به تعداد کافی نیروی انسانی نداریم برای کار در بروکه، از کار همکاران ما در یوتوب یک ویدیو هست که به زبان انگلیسی از آقای اشتن بوک

www.youtube.com/watch?v=6ltZRbIS1F0&feature=youtu.be

یک مسأله اضطراری و یک خواهش

در سال آینده توماس بنکه به افریقای جنوبی می‌رود و ما یک همکار مهم را از دست می‌دهیم و مانیا کالبلا که مسئول بچه‌های بروکه بود هم یک کار جدید پیدا کرده است و نمی‌تواند بیشتر در بروکه باشد، پس بی‌هیچ رودربایستی ما به کمک نیاز داریم! برای ما دعا کنید تا ما این مسأله را بتوانیم به درستی پشت سر بگذاریم.

موسیقی آینده

یکی از بزرگترین چالش‌های پیش روی ما اثاب کشی به کلیسای لوکاس است در سال 2015 و ما روز اثاب کشی را روز دوشنبه در عید رستاخیز قرار دادیم و برای آن هم یک جشن بزرگی ترتیب می‌دهیم و بعد از آن ما 18 ماه در کلیسای لوکاس مراسم عبادت را برگزار می‌کنیم. اهالی نزدیک کلیسا خیلی وقت است که فهمیدن در این کلیسا مراسم عبادتی انجام نمی‌شود و حال ما دوباره به لوکاس جان دوباره می‌دهیم. جشن رستاخیز مسیح، یک جشن رستاخیز برای کلیسای لوکاس هم میشود. اطلاعات بیشتر را از وب سایت بروکه کسب کنید. از سال بعد قبل از این تاریخ اثاب کشی ما و در کنار عبادت روزهای یکشنبه حداقل یک مراسم عبادت را در کلیسای لوکاس برگزار کنیم.

تمرکز ما بر برنامه های کودکان، و بزرگسالان و مهاجران خواهد بود. و همه این‌ها در این خلاصه خواهد شد که، در نزدیکی خدا باشیم و از قدرت خدا و تسلی او و امید او بهره مند شویم. و محبت او را ادامه دهیم. از این بهتر نمی‌شود که در این دایره حرکت کنیم و با محبت زندگی و کار کنیم.

از اینجا می‌خواهم از صمیم قلب از ترجمه‌های بروکه تشکر کنم. شما کار ما را با دعاهایتان و گاهی هم با پاکت های ارسالی محافظت می‌کنید و تنها از این راه است که کار ما ادامه می‌یابد. خیلی ممنون! یک کریسمس با برکت و یک سال نوی با برکتی را برای شما آرزو مند هستم

هوگو گورز